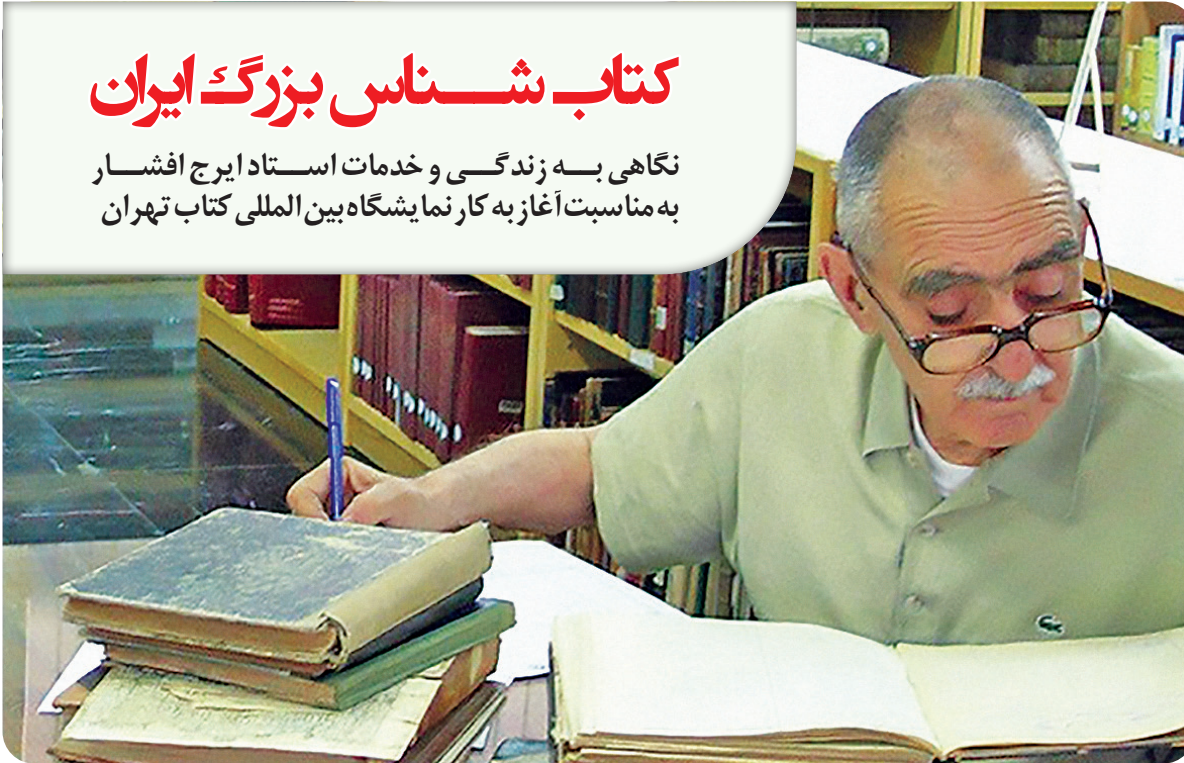


کتاب شناس بزرگ ایران

نگاهی به زندگی و خدمات استاد ایرج افشار
به مناسبت آغاز به کار نمایشگاه بین المللی کتاب تهران



عبدالحسین آذرنگ

ایرج افشار در تهران و در خانواده‌ای یزدی و با فرهنگ زاده شد. پدرش محمود افشار یزدی از شخصیت‌های فرهنگی و ایران دوست زمان خود بود. ایرج در مدرسه‌های

زردشتیان، شاهپور و فیروز بهرام در تجربیش و تهران تحصیل کرد و در ۱۳۲۸ ش از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در رشته قضایی فارغ التحصیل شد. از ۱۹ سالگی در اداره امور مختلف مجله آینده دستیار پدرش بود و نخستین تجربه‌های اداره و انتشار نشریه‌های فرهنگی را از این راه، و با کار عملی آموخت. در دوره دانشجویی با مجله جهان نوبه سردبیری حسین حجازی، از نشریه‌های پیشرو دوره خود، که تمایلاتی چپ‌گرایانه داشت، همکاری کرد. مرتضی کیوان، از اعضای فعال حزب توده ایران و از فعالان ادبی چپ‌گرا، با جهان نو همکاری داشت و این نشریه به‌سازمان کانونی برای شمار از قلم‌زنان متمایل به چپ به‌شمار می‌آمد (قاسمی، «استاد...»، ۱۲). ایرج مدتی هم با مجله مهر به مسئولیت مجید موقر همکاری داشت (همانجا). همکاری با این نشریه، نخستین تجربه او در زمینه مجله‌نگاری بود (پروین، ۹۲).

افشار پس از پایان تحصیلات دانشگاهی، مدتی کارآموزی و کالت کرد؛ برای شغل قضا به دادگستری رفت، اما چون محل مأموریت او را بیرون از تهران تعیین کردند، منصرف شد، و کالت و قضاوت را رها کرد و به معلمی روی آورد. در ۱۳۲۹ ش در دبیرستانهای تهران به تدریس پرداخت و در ۱۳۳۰ ش با مساعدت محسن صبا، که در زمینه‌های آرشئو و کتابداری تحصیل کرده بود، از وزارت فرهنگ به دانشگاه تهران منتقل، و در کتابخانه دانشکده حقوق، بزرگ‌ترین کتابخانه دانشکده‌های ایران در آن سالها، به کتابداری مشغول شد. فنون کتابداری را هم زیر نظر محسن صبا، از راه همکاری با محمدتقی دانش‌پژوه، و نیز از طریق عملی و تجربه‌اندوزی‌های خود آموخت (قاسمی، «سرگذشت...»، ۶۴-۶۵).

افشار در ۱۳۳۳ ش، که با کتابخانه ملی ایران همکاری داشت، نخستین دفتر کتابهای ایران را انتشار داد. این دفتر، سر آغاز تدوین و انتشار کتاب‌شناسی ملی بود، اثری که باید بازنمای رسمی کتابهای انتشار یافته در کشور باشد و تا آن زمان هیچ نهاد دولتی به تدوین و نشر آن اقدام نکرده بود. کتابهای ایران حاوی داده‌های کتاب‌شناختی کتابهای منتشر شده در ۱۳۳۳ ش به زبان فارسی در خود ایران بود. افشار انتشار این فهرست سالانه را تقریباً به همان صورت تا ۱۳۴۵ ش، به مدت ۱۲ سال ادامه داد. او در عین حال، تا پایان عمر از تدوین و نظارت بر تنظیم انواع کتاب‌شناسی‌ها دست برنداشت. تأثیر افشار در این زمینه به حدی گسترده است که سرنوشت کتاب‌شناسی در ایران، از کوشش‌های او جدایی‌ناپذیر است. احسان یارشاطر، افشار را «پدر واقعی کتاب‌شناسی در ایران» لقب داده است (ص ۷).

فعالیتها و همکاری‌های افشار در عرصه مطبوعات شاید به همان گستردگی کار کتاب‌شناسی او باشد. افشار پس از تجربه‌های نخستین در انتشار مطبوعات، فعالیت در زمینه مطبوعات فرهنگی - پژوهشی را پی گرفت و با همکاری و همفکری تنی چند از دوستان نزدیکش، از جمله محمدتقی دانش‌پژوه، عباس زریاب خویی، منوچهر ستوده، و مصطفی مقربی، که جملگی به شخصیت‌های فرهنگی برجسته‌ای در حوزه‌های تخصصی خود تبدیل شدند، مجله فرهنگ ایران زمین را در ۱۳۳۱ ش تأسیس کرد. این مجله تا زمان مرگ وی انتشار یافت و از نشریه‌های معتبر در زمینه مطالعات ایرانی به‌شمار می‌رود (نک: دوره مجله فرهنگ ایران زمین). افشار از ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۵ ش سردبیری ماهنامه ادبی سخن، و نیز ستون نویسی آن ماهنامه درباره کتاب‌شناسی را بر عهده داشت (پروین، ۹۳). از ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۰ ش مدیر مجله کتابهای ماه بود

با حضور شماری از ایران‌شناسان خارجی و پژوهشگران ایرانی. در عین حال، فعالیت‌های فردی اش در زمینه فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی، کتاب‌شناسی، تصحیح و انتشار اسناد و متون تاریخی و ادبی، و دنبال کردن علاقه‌های شخصی اش در بخش‌هایی از تاریخ ایران، به‌ویژه تاریخ قاجار و از انقلاب مشروطه ایران به بعد و تاریخ یزد، ادامه داشت. حاصل کوشش‌های این سالها، چندین اثر او ست (برای جزئیات و صورت آثار، نک: افشار، ۲۰-۲۴). او همچنین با عضویت در شماری از نهادهای پژوهشی، ایران‌شناسی و ویژه کتاب و نشر، با مشارکت در تأسیس، با نظارت بر برنامه‌های آنها، از فعالان فرهنگی و تأثیرگذار کشور به‌شمار می‌رفت. افشار در این نهادها هم عضویت داشت: انجمن ایران‌شناسی، گروه ملی کتاب‌شناسی ایران؛ انجمن ایرانی فلسفه؛ انجمن کتاب؛ شورای کتابخانه وزارت امور خارجه؛ کمیته تشکیل باگانی کشور؛ انجمن ایرانی تاریخ علوم و طب؛ مرکز ملی کتاب؛ کمیته جایزه کتاب سال؛ انجمن کتابداران ایران؛ هیئت اجرایی انجمن تاریخ؛ هیئت امنای کتابخانه مجتبی مینوی؛ هیئت امنای چاپ آثار محمدعلی جمال‌زاده؛ شورای عالی اسناد ملی ایران؛ انجمن آثار ملی؛ انجمن ایران‌شناسی اروپا؛ هیئت ناظران دانشنامه ایرانیکا؛ انجمن مطالعات ایرانی در آمریکا (برای تفصیل بیشتر در این باره، نک: قاسمی، «سرگذشت...»، ۶۵-۶۸).

پس از انقلاب ۱۳۵۷ ش، و آغاز دوره بازنشستگی ایرج افشار، به‌مرحله تازه‌ای از زندگی و فعالیت‌های پژوهشی، فرهنگی و انتشاراتی او، تقریباً ۳۰ سال، آغاز شد که تا چند ماه پیش از بیماری مرگ‌انجامش در ۱۸ اسفند ۱۳۸۹، به‌طور مستمر ادامه یافت و ثمره آن شاید از جهاتی پربارتر و متنوع‌تر از پیش بود. آزادشدن افشار از تعهدات شغلی و بیشتر شدن اوقات فراغت او، عامل اصلی همین تکرر و تنوع آثار منتشر شده او از انقلاب به بعد بود. افشار انتشار مجله آینده را، که پیش‌تر پدرش انتشار می‌داد، از سر گرفت. انتشار این مجله که کم‌وبیش ادامه‌دهنده مشی مجله راهنمای کتاب بود، تا ۱۳۷۲ ش ادامه یافت، اما به‌سبب موانع انتشار نشریه‌های فرهنگی بی‌بهره از یارانه‌ها، و نیز به دلایل دیگری متوقف شد (برای تفصیل بیشتر در این باره، نک: پروین، ۹۳-۹۵). او همچنین مسئولیت انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار را خود به عهده گرفت و به گردآوری و انتشار کتابها و مقاله‌های پژوهشی در سلسله انتشارات این بنیاد در زمینه مطالعات ایران‌شناسی ادامه داد.

ادامه دارد

و کاربردهای فهرست مقالات فارسی در آغاز در میان جامعه پژوهشی ایران چندان شناخته شده نبود، اما با گذشت زمان، جایگاه آن در مطالعات ایران پژوهی تثبیت شد.

ایرج افشار در ۱۳۴۳ ش مدیریت انتشارات دانشگاه تهران را به عهده گرفت و حدود ۷ سال در این سمت خدمت کرد. او در این نهاد، به سنتی که به‌ویژه پرویز نائل خانلری، مؤسس انتشارات دانشگاه، بنا نهاده بود، غنا بخشید و کوشید استقلال انتشاراتی دانشگاه را در برابر مداخلات که شماری از دانشگاهیان منتقد به سود منافع شخصی خود و برخلاف رویه‌های دانشگاهی اعمال می‌کردند، حفظ کند. سال بعد، در دوره ریاست جهان‌شاه صالح بر دانشگاه تهران، ریاست کتابخانه مرکزی این دانشگاه به او واگذار شد. افشار در ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ که از این سمت استعفا داد (به نقل از یادداشت همکارش قدرت‌الله روشنی زعفرانلو در همان کتابخانه)، جمعا حدود ۱۴ سال، اهتمام اصلی و مهم‌ترین وظیفه‌اش ایجاد، سازمان‌دهی و تکمیل نخستین و در عین حال بزرگ‌ترین کتابخانه مرکزی دانشگاهی در کشور بود. کوشش‌های او در این سمت، الگویی ایجاد کتابخانه‌های مرکزی در دیگر دانشگاه‌های ایران قرار گرفت. او دو سال پس از آغاز کار خود در کتابخانه مرکزی، مجله کتابداری را در ۱۳۴۵ ش تأسیس و منتشر کرد. ناشر این مجله، کتابخانه مرکزی بود. آن سال حدوداً مقارن با تأسیس دوره کارشناسی ارشد علوم کتابداری در دانشگاه تهران، و شروع آموزش دانشگاهی محبت کتابداری جدید در ایران بود.

ایرج افشار در ۱۳۴۸ ش برای تدریس محبت اسناد تاریخی و تاریخ‌های محلی ایران، به گروه تاریخ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت شد. او حدود ۱۰ سال، تا زمان بازنشستگی اش از این دانشگاه، نخست با مرتبه دانشیاری و سپس استادی، به تدریس در آن گروه ادامه داد، ضمن اینکه استاد درس شناخت نسخه‌های خطی در رشته علوم کتابداری همان دانشگاه هم بود و شماری از کتابداران، کتاب‌شناسان و نسخه‌شناسان امروز کشور، که دوره تخصصی کتابداری را گذرانده‌اند، با شرکت در دوره‌های درسی ایرج افشار درباره شناخت نسخه‌های خطی، برای نخستین بار با جنبه‌های مغفول از میراث تمدنی آشنا شدند که کتابداری اقباسی و تقلیدی تا سالها به اهمیت و جایگاه آن کم توجه بود.

او در همین دوره به چند کوشش فرهنگی و تأثیرگذار دیگر هم دست زد، از جمله برگزاری ۹ کنگره پیاپی تحقیقات ایرانی در شهرهای مختلف دانشگاهی کشور

که از سوی انجمن ناشران کتاب و با حمایت همایون صنعتی‌زاده (دبا) انتشار می‌یافت و نشریه‌ای تخصصی در زمینه نشر و کتاب بود (پروین، همانجا). از ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۲ ش با همکاری محمدتقی دانش‌پژوه سردبیر نشریه نسخه‌های خطی، و عضو هیئت تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود (قاسمی، «سرگذشت...»، ۶۵-۶۷). برای تفصیل فعالیت‌های مطبوعاتی او، نک: قاسمی، ایران‌شناس...، سراسر اثر؛ برای جزئیات فنی در این باره، نک: پروین، ۹۲-۹۷).

در ۱۳۳۵ ش، زمینه دیگری از فعالیت‌های ایرج افشار آغاز شد. احسان یارشاطر، مدیر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، که به‌سبب اشتغالات علمی ناگزیر بود بیشتر ایام سال را بیرون از کشور به سربرد، سمت قائم‌مقامی این بنگاه انتشاراتی نوین را به افشار سپرد و او هم نزدیک به ۷ سال اداره آن بنگاه را در غیاب مدیر آن بر عهده گرفت. افشار در همان سال به فرانسه سفر کرد و در دوره آموزشی کوتاه مدتی که یونسکو بانی آن بود، با فن کتابداری جدید و مبانی نظری علم کتاب‌شناسی آشنا شد. گذراندن این دوره و تحولات نگرشی حاصل از آشنایی با دستاوردهای تازه کتابداری و کتاب‌شناسی، به‌شاکه دیگری از فعالیت‌های افشار شکل داد که تا پایان عمرش ادامه یافت. او حدود ۷ سال، تا ۱۳۴۲ ش، به چند کار مختلف اما مرتبط، دست زد: تدریس فن کتابداری جدید در دانشسرای عالی؛ تأسیس باشگاه کتاب با همکاری یارشاطر که با نام انجمن کتاب معروف است، و ارائه کردن خدماتی نو به دوستداران و خوانندگان کتاب؛ مدیریت کتابخانه ملی برای مدتی کوتاه و آغاز کردن فعالیت‌های جدیدی در آن کتابخانه در زمینه سازمان‌دهی نسخه‌های چاپی و خطی؛ مدیریت مرکز تحقیقات کتاب‌شناسی دانشگاه تهران؛ و چند کار دیگر مرتبط با این فعالیتها که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

جلد نخست فهرست مقالات فارسی، حاوی داده‌های کتاب‌شناختی ۲۰۰۰ مقاله به زبان فارسی در نشریه‌های ایران‌شناسی و فرهنگی ایران و خارج، که افشار اندیشه تدوین آن را از محسن صبا الهام گرفته بود و سالها بود که فکر انتشار آن را در سر داشت، سرانجام در ۱۳۳۸ ش منتشر شد. این منبع مقاله‌شناخت که افشار بیش از ۵۰ سال برای استمرار انتشار آن کوشید، تاکنون حاوی داده‌های کتاب‌شناختی ۸۰۰۰ مقاله به زبان فارسی درباره تحقیقات ایرانی است و تدوین، روزآمدی و انتشار آن اکنون زیر نظر مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ادامه دارد و جلد هشتم آن در آستانه انتشار است. ارزشها